

ترجمان روایت

## مرگ با تشریفات پزشکی

آیا پزشکی درباره مردن نمی داند

آتول گاواندی

حامد قدیری

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

این اثر ترجمه‌ای است از:

Being Human

Illness, Medicine, and What Matters in the End

Atul Gawande

Metropolitan Books, Henry Holt and Company, LLC, 2014

سرشناسه: گاواند، اتول

عنوان و نام پدیدآور: مرگ با تشریفات پزشکی: آنچه پزشکی دربارهٔ مردن نمی‌داند / نویسنده اتول گاواندی؛ ترجمه حامد قدیری؛ ویراستار مرضیه اکبریور. مشخصات نشر: تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱-۵۲-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان "آدمیراد رفتنی است: بیماری‌های سخت، زندگی بهتر یا زندگی بیشتر؟" و ترجمه‌ی آریانا رائی، نازنین سرکارات‌پور توسط نشر همان در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.

شناسه افزوده: قدیری، حامد، ۱۳۶۷ - مترجم

شناسه افزوده: اکبریور، مرضیه، ۱۳۶۸ - ویراستار

زده بندی کنگره: R۷۲۶/۸/گ۴۴۱۳۹۸

زده بندی دیویی: ۳۶۲/۱۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۲۱۲۰۵

**مرگ با تشریفات پزشکی**

آنچه پزشکی دربارهٔ مردن نمی‌داند

منویسنده: آتول گاواندی

مترجم: حامد قدیری

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: مرضیه اکبری

طراح جلد: محمود منفرد

صفحه‌آرا: مهدی جاودان

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: ششم، ۱۳۹۹

اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: [publication@tarjomaan.com](mailto:publication@tarjomaan.com)

[tarjoman.nashr@gmail.com](mailto:tarjoman.nashr@gmail.com)

[www.tarjomaan.shop](http://www.tarjomaan.shop)

فروشگاه اینترنتی:

حقوق چاپ و نشر در قالب های کاغذی،

الکترونیکی و صوتی، انحصاراً برای انتشارات

ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

## < | فهرست

۱۱	مقدمه مترجم
۱۳	تشکر و قدردانی
۱۷	مقدمه
۲۹	[۱] خود مستقل
۴۷	[۲] همه چیز از هم می‌باشد
۸۷	[۳] وابستگی
۱۱۷	[۴] یاری
۱۵۷	[۵] یک زندگی بهتر
۲۰۵	[۶] بگذار تا بمیرم
۲۵۹	[۷] گفت‌وگوهای سخت
۳۰۹	[۸] شجاعت
۳۴۳	خاتمه
۳۴۹	پی‌نوشت‌ها
۳۶۵	نمایه

## مقدمه مترجم

اندیشیدن به مرگ همانند چکیدن قطره‌ای جوهر در ظرف آب است. در هر لحظه و هر موقعیت که باشیم، ابهت مرگ خود را بر همه چیز غالب می‌کند و سیطره می‌یابد. ترس از همین غلبه ناگهانی مرگ است که گاهی ما را وامی‌دارد اندیشیدن به مرگ را به پستوهای هفت قفله ذهنمان هل بدهیم و از هر سکوئی که بتواند محمول چنین اندیشه‌ای باشد بگریزیم. شاید مرگ برایمان غریب و غریبه باشد و این چنین از آن فرار کنیم، اما بی‌شک چیزی ضروری‌تر و حتمی‌تر از آن نیست. همه ما شکار چنگال‌های تیزهای مرگیم. مرگ سرانجام محتوم همه ماست و، بنا به گزارش‌های هزاران ساله گذشته، کسی نتوانسته از چنگال آن بگریزد.

با این اوصاف، اگر گریزی از مرگ نیست و لاجرم اسیران خواهیم شد، آیا مقری از اندیشیدن به آن داریم؟ از قرار معلوم، عیادت محتضران یا دیدن جنازه‌ای روی دوش تشییع‌کنندگان یا گذر از کنار گورستانی خاموش، ناگزیر، اندیشه مرگ را از پستوهای ذهنمان بیرون می‌کشد و خارخار آن را پیش نگاهمان می‌افکند. از قرار معلوم، هر نوع تلاشی برای فرار از اندیشیدن به مرگ نهایتاً در جایی با شکست مواجه می‌شود و ما را با واقعیت عریان و سهمگین مرگ رودررو می‌کند.

حالا اگر مرگ حتمی است و اگر مرگ اندیشی ناگزیر است و بالاخره جایی گریبانمان را می‌گیرد، جای سؤال دیگری باز می‌شود: آیا مرگ اندیشی ما را به ورطه بی‌معنایی و پوچی می‌کشد یا آنکه معنای حیات انسانی مان را صیقل می‌دهد و به آن سامان می‌بخشد؟ به یک بیان، می‌توان گفت که مرگ صحنه انقلاب

معانی است؛ بی معناها را معنا دار می‌کند و معنادارها را بی معنا. از این رو، تک تک تجربه‌های زندگی ما در نسبت و مقایسه با مرگ است که وزن حقیقی خود را می‌یابند. چه بسا شادی‌های کلان و پرزرق و برقی که با دمی اندیشیدن به مرگ دود می‌شوند و از بین می‌روند. و چه بسا رنج‌ها و دردها و محبت‌هایی که با اندیشیدن به مرگ تلاً تلاً تازه‌ای پیدا می‌کنند و ارزشمند می‌شوند.

با این اوصاف، شاید باید بپذیریم که اولاً مرگ ضروری است، و ثانیاً اندیشیدن به آن ناگزیر است، و ثالثاً این اندیشه پرثمر است و پربرکت. با این مقدمه می‌توان کتاب حاضر را چیزی در حد گام‌های ابتدایی برای مرگ‌اندیشی و التفات به میرایی انسان‌ها دانست.

\* \* \*

مرگ با تشریفات پزشکی گوشه‌ای از علایق من در باب اندیشیدن به مرگ بود که سال‌ها با آن گلاویز بودم. در این میان، لطف انتشارات ترجمان علوم انسانی بود که زمینه‌ای فراهم کرد تا این وجیزه ناقابل از صرف یک مطالعه شخصی فراتر برود و، با همه نقایص و ایراداتی که در ساحت ترجمه به آن وارد است، به یک تجربه مشترک میان من و مخاطبان این انتشارات تبدیل شود. از این رو، قدر دان زحمات دوستان ترجمانی خود، به ویژه برادرانم مرتضی روحانی، سید احمد موسوی خوئینی و محمد مهدی پور، هستم.

ترجمه مرگ با تشریفات پزشکی - اگر قابلیت تقدیم داشته باشد - بی شک تقدیم می‌شود به پدرم، به روح پدرم.

حامد قدیری